
روشن نگری چیست، روشنی یابی چیست؟

نظریه‌ها و تعریف‌ها

مقالاتی از

کانت، ارهارد، هامن، هردر، لسینگ،
مندلسزون، ریم، شیلر، ویلاند، بارت، دارنتون

گردآورنده و بی‌گفتار:

ارهارد بار

ترجمه‌ی

سیروس آراین‌پور



فهرست

۷

یادداشت مترجم

بخش یکم

روشن نگری چیست؟

گردآوری ارهارد بار

- | | | |
|-----|------------------------------|----------------------------------|
| ۲۳ | نوشته‌ی موسس مندلسزون | درباره‌ی پرسش روشن نگریستن چیست؟ |
| ۳۱ | نوشته‌ی ایمانوئل کانت | در پاسخ به پرسش روشن نگری چیست؟ |
| ۴۵ | نوشته‌ی یوهان گنورگ هامن | نامه به کریستیان یاکوب کراوس |
| ۵۵ | نوشته‌ی کریستف مارتین ویلاند | شش پرسش درباره‌ی روشن نگری |
| ۶۵ | نوشته‌ی اندریاس ریم | روشن نگری «نیاز» فهم انسانی است |
| ۷۹ | نوشته‌ی یوهان گوتفرد هردر | کلمه و مفهوم انسانیت |
| ۸۹ | نوشته‌ی گوتهولد افرایم لسینگ | درباره‌ی حقیقت |
| ۹۳ | نوشته‌ی یوهان بنیامین ارهارد | درباره‌ی حق مردم به انقلاب |
| ۱۰۵ | نوشته‌ی فریدریش شیلر | درباره‌ی محدودیت‌های عقل |
| ۱۱۱ | نوشته‌ی ارهارد بار | پی‌گفتار |
| ۱۳۱ | | فهرست منابع |

بخش دوم

روشنی یابی چیست؟

گردآوری سیروس آرین پور

۱۳۷	نوشته‌ی مترجم فارسی	دو کلمه (به جای پیش‌گفتار)
۱۶۳	نوشته‌ی موسس مندلسزون	نامه‌ی مندلسزون به آگوست هنینگز
۱۷۱	نوشته‌ی موسس مندلسزون	درباره‌ی پرسش «روشنی یافتن چیست؟»
۱۸۱	نوشته‌ی کارل فریدریش بارت	مفهوم‌های گوناگون روشنی یابی
	نوشته‌ی ناشناس [ایمانوئل کانت]	درباره‌ی تأثیر روشنی یابی بر انقلاب‌ها
۱۹۵		با امضای محفوظ
۲۱۳	نوشته‌ی رابرت دارنتون	یک بار دیگر «روشنی یابی چیست؟»
۲۴۸		فهرست منابع

یادداشت مترجم

آوف کلرونک "Aufklärung" فرایندی است ایستایی ناپذیر که از آغاز تا به امروز در کار بوده است و در آینده نیز، همچنان در کار خواهد بود. «آوف کلرونک» غایت هستی انسانی است (کانت).

نزد ما برداشت از مفهوم کانتی "Aufklärung" از دو جهت با نارسایی همراه بوده است که در نتیجه، به دریافتی نادقیق از آن انجامیده.^۱ نخست این‌که به آن بیشتر به صورت رویدادی تقویمی و زمان‌مند در تاریخ تحول اندیشه غربی نگریسته‌اند و دویم این‌که، استنباط و درک از آن بیشتر به مفهومی نزدیک بوده است کم و بیش مانده به یک نهضت بزرگ سوادآموزی و نشر معرفت و یا تبلیغ ایدئولوژی‌ها (آگاهی‌های کاذب).^۲ اما مفهوم آوف کلرونک، در معنا و تعبیری که اندیشه‌ورانی چون کانت از آن کرده‌اند، با چنین استنباطی فرق دارد. در این مختصر، قصد ما کند و کاو بیشتری است در «مفهوم کانتی آوف کلرونک» و سر آخر پیشنهاد معادلی

۱. ما به عمد تا نتیجه‌گیری نهایی از کند و کاومان، در این متن، از واژه‌ی آلمانی "Aufklärung" استفاده خواهیم کرد و از به کار بردن معادل‌هایی که در زبان فارسی برای آن برگزیده‌اند فعلاً خودداری می‌کنیم.
 ۲. معادلی که در فارسی برای آن به کار می‌رود و رواج دارد، واژه‌ی روشنگری است.

سزاوار برای آن در زبان فارسی.

مقاله‌هایی که در این کتاب کوچک آمده به دریافت بهتر این مفهوم یاری می‌رساند. این مجموعه به خوانندگان امکان می‌دهد، از چند و چون استنباط‌ها و برداشت‌های متفکران قرن هیجدهم آلمان، در سال‌های پایانی دورانی^۱ که به نام «عصر آوف کلرونک»، شناخته شده آگاهی دست اول پیدا کنند. سرچشمه‌ها زلالی و گوارایی دیگری دارند.

اما نخست ببینیم درک و دریافت برخی از متفکران معاصر از مفهوم کانتی Aufklärung چیست؟ کارل پوپر، فیلسوف هم‌زبان کانت (به معنای مضاعف آن!) می‌گوید: بذر اندیشه‌های آوف کلرونک، از راه یک کتاب به اروپای قاره‌ای آورده شده است؛ کتاب نامه‌هایی از لندن درباره‌ی انگلیسی‌ها (۱۷۳۲) نوشته‌ی ولتر. ولتر در آن کتاب به مقایسه‌ی دولت مشروطه در انگلستان و حکومت‌های مستبد سلطنتی در قاره‌ی اروپا پرداخته بود و مداراگری مذهبی انگلیسیان را با بی‌مدارایی کلیسای کاتولیک برابر نهاده بود و قدرت روشنی‌آفرین «سیستم جهان» اسحاق نیوتن و تجربه‌گرایی جان لاک را با جزم‌گرایی رنه دکارت مقایسه کرده بود. کتاب ولتر را ممنوع کردند و سوزاندند. ولی انتشار آن سرآغاز جنبشی فلسفی شد با اهمیت جهان‌شمول و تاریخ‌ساز. جنبشی که تمایل مبارزه‌جویانه‌ی آن را انگلیسیان به سختی درک می‌کردند و از آن سر در نمی‌آوردند؛ زیرا با روابط و شرایط حاکم بر جامعه‌ی انگلستان هیچ سازگاری نداشت.

۱. Werner Krauss متخصص و پژوهشگر زبان‌های غیرلاتینی (رومانیست)، این دوران را که از نظر زمانی قرن‌های هفدهم و هیجدهم را می‌پوشاند به سه زیردوره بخش می‌کند: دوره‌ی آغازین "frühauklärung" دوره‌ی "Aufklärung"، و دوره‌ی متاخر آن "Spätaufklärung". کانت از فیلسوفان دوره‌ی متاخر آوف کلرونک است. در همین دوره است که گفته می‌شود آوف کلرونک به بالاترین سطح آگاهی نظری‌اش دست یافته است.

این جنبش را فرانسوی‌ها "éclaireissement"^۱ و آلمان‌ها "Aufklärung" می‌نامند. تقریباً تمامی جنبش‌های مدرن فلسفی و سیاسی، خواه سراسر است و خواه ناسراسر است، از آن سرچشمه می‌گیرند، زیرا یا مستقیماً از آن سر برآورده‌اند و یا این‌که برخاسته از عکس‌العمل‌های مخالفت‌آمیز با آن بوده‌اند (مانند جنبش رمانتیسم آلمانی که در مقابله با Aufklärung شکل گرفت و هواداران‌اش (یعنی رمانتیک‌ها) مایل بودند برای تخطئه‌ی جنبش آوف کلرونک آن را "Aufklärerei" و یا "Aufkärcht" بخوانند^۲ [که معادل فارسی آن تقریباً می‌شود جنبش روشنگری]).

کارل پوپر می‌افزاید: شصت سال پس از مرگ کانت، ایده‌ها و اندیشه‌های Aufklärung که در اصل از [اسکاتلند و] انگلیس آمده بودند، به صورتی سطحی اما پرمدها و روشنفکر مآبانه بار دیگر بر انگلیسی‌ها عرضه شدند (۱۸۶۴) و واژه انگلیسی "Enlightenment" به عنوان برابر نهاد و معادل واژه‌ی آلمانی Aufklärung برای آن بر ساخته شد که از آن زمان تا به امروز واژه "Enlightenment" (از فعل متعدی enlighten) تهمزه طعنه‌آمیز و کمی سبک‌اش را در زبان انگلیسی همچنان حفظ کرده است (کارل پوپر همان‌جا).

کارل پوپر در توضیح و تبیین معنای درست Aufklärung از تعریف خود کانت مدد می‌گیرد، و می‌نویسد: «به کانت گوش بسپاریم و بشنویم او خود در تعریف آوف کلرونک چه می‌گوید؟ آوف کلرونک خروج آدمی است از نابالغی به تفصیر خویشتن خود و نابالغی ناتوانی در به‌کار گرفتن فهم خویش است بدون راهنمایی دیگری، به تفصیر خود است این نابالغی، وقتی که هلت آن نه کمبود فهم بلکه کمبود اراده و شجاعت در به‌کار گرفتن آن بدون

۱. البته فرانسوی‌ها به آن می‌گویند: Les Lumières که پوپر انگلیسی‌مآبانه (در پانوش و با رسم الخط فرانسه) آن را به éclairissement برگردانده.

2. Karl Popper, *Auf der Suche nach einer Besseren Welt*, Serie Piper München, 1987, s.138.